

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پایان نامه کاره دانشاه باقر العلوم ارشد جامعه شناسي

عنوان:

نظريه ي اجتماعي سنت گرايان با تأكيد بر نظريه ي اجتماعي رنه گنون

استاد راهنما:

حجت الاسلام دكتر حميد پارسانيا

استاد مشاور:

حجت الاسلام دكتر شمسالله مريجي

دانشجو:

طاهره عطوفي كاشاني

۱۳۸۸

«و هو الاولُ و الاخرُ و الظاهرُ و الباطنُ و هو بكلِّ
شيءٍ عليمٌ»

تقديم به:

جان جانان حضرت بقيه الله الاعظم روجي فداه، آن عدالت
گستر و سرور نظام هستي، که با ظهورش آخر زمان را نور
باران و حقيقت را بر فريب و خدعهي زمانه، غالب خواهد
نمود؛

و به باقرالعلوم(ع)، همو که نامش، سکوي پروازم را
به سوي حقيقت علم زينت بخشيد؛

و به کریمه ي اهل بيت(ع)، که مرا در سرزمين ملائک به
سوي نقطه ي اوج مدد رساند؛

و به مادرم، او که تا ابد مي سرايمش.

تقدیر و تشکر:

بر خود لازم می‌دانم تا به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» سپاس و امتنان خویش را از کلیه اساتید این دانشگاه بنمایم که مسیر علم آموزی را هموار نمودند؛ بویژه نسبت به استاد ارجمند و فرزانه جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید پارسانیا، که قطره‌ای از سخنان گوهر بارشان، همچون دریایی موج از علم بود تا این نوشتار، از رهنمون ایشان تدوین گردد؛ همچنین، از استاد فرهیخته جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر شمس‌الله مریجی، که در طول انجام این مهم مرا یاری فرمودند، فروتنانه قدردانی می‌نمایم. دعایم تا آخرین لحظات عمرم نثارشان؛ باشد مرا در مسیر تحصیل علم و عاقبت به خیری دعا فرمایند.

و نحن نقول الحمد لله رب العالمین

چکیده

سنت‌گرایی، جریانی است که از دریچه‌ی دین پژوهی و با رویکرد درون دینی به نقد مدرنیته پرداخته و نقدهایی مبنایی بر آن وارد کرده است.

به طور کلی این رساله در صدد است تا ضمن تفسیر مبانی نظری سنت‌گرایان و با استناد به این اصول، نظریه‌ی اجتماعی آنان، البته با تأکید بر آراء پدر این جریان، یعنی رنه گنون تحلیل نماید که از دل انتقاداتشان بر حوزه‌های نظری و اجتماعی دنیای متجدد به عمل آمده است.

این رساله، از مبحث مقدماتی و سه بخش اصلی و نتیجه‌گیری تشکیل یافته است که در آن، هر بخشی و در ذیل آن هر فصلی، زمینه ساز ورود به بخش و یا فصل دیگر خواهد بود. بخش اول، با عنوان زمینه و بسترهای تکوین نظریه‌ی اجتماعی رنه گنون، به دو فصل مجزای زمینه‌های غیرمعرفتی و زمینه‌های معرفتی تقسیم شده است؛ در فصل اول، دورنمایی از زندگی‌نامه‌ی رنه گنون، سنت‌گرایی اصلی در رساله‌ی حاضر، و نیز زمینه‌های فکری و اجتماعی وی از نظر می‌گذرد، تا خواننده به شخصیت و افکار و دغدغه‌های فکری و اجتماعی او نزدیک گردد که این امر، در فهم زمینه‌های معرفتی و نظریه‌ی اجتماعی او مدد خواهد رساند. در فصل دوم این بخش، به مبانی فکری و رویکرد خاص او پرداخته می‌شود؛ چرا که تبیین نظریه‌ی اجتماعی سنت‌گرایی نیز در چارچوب اصول و مبانی معرفتی آن قابل درک است که در آن، سلسله مراتب وجود در نظام هستی، معرفت و انسان به اثبات می‌رسد و در این راستا در بخش بعدی آن سلسله مراتب اجتماعی نیز ثابت می‌شود.

در بخش دوم، که محوری‌ترین بخش این مجموعه به شمار می‌آید، در سه فصل کلیدی تنظیم شده است که در فصل اول آن با عنوان فلسفه‌ی تاریخ، فرآیند تاریخی ادوار اجتماعی، که به هبوط معنویت در پایان دور می‌انجامد، از دیدگاه گنون به تصویر کشیده می‌شود و با این بیان، به طور تدریجی قدم در دوران اصلی و مورد بحث خود، یعنی دوران مدرنیته می‌گذارد و به شمه‌ای از اصلی‌ترین ویژگی‌های آن دوران، که به عصر ظلمت مشهور است، پرداخته می‌شود که در آن، عالم به سوی انجماد و سرانجام انحلال گرایش می‌یابد؛ در فصل دوم با نام نقد مدرنیته در سه مبحث اصلی و طویل، در سه قلمرو فلسفه، علم و تکنولوژی و فلسفه‌ی سیاسی، آن خصایص منحصر به فرد و مبنایی را تشریح و به باد نقد می‌کشد و بحران دنیای متجدد و انحطاط حاصل از شکاف بین تمدن و سنتی و غیرسنتی تبیین می‌شود که در آن مشاهده می‌گردد که چگونه به دنبال سیر نزولی دوری بشر، چنین انحطاطی پدید آمده است. در پایان این بخش، یعنی در فصل سوم، با نام جامعه‌ی آرمانی گنون، ضمن پاسخ به چستی پایان تاریخ و آینده‌ی جهان، جامعه‌ی مورد نظر وی، که با ابتناء بر سنت‌های الهی ایجاد شده است، از سوی نگارنده بازسازی می‌گردد و پیوند مبانی نظری با اندیشه‌های اجتماعی او به اثبات می‌رسد. در بخش سوم، با عنوان نظریه‌ی اجتماعی دیگر سنت‌گرایان، ضمن بحث کلی در باب مبانی نظری و نظریه‌ی اجتماعی آنان، حداقل از مختصات

نظري دو متفكر ديگر، يعني فريديوف شؤوان و حسين نصر، بهره برده است.
کلید واژه: نظريه اجتماعي، سنت، سنتگرايي، رنه گنون، نقد مدرنيته.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۴	مبحث مقدماتي
۵	۱- بيان مسأله
۷	۲- اهميت موضوع و فايده آن
۸	۳- سابقه ي پژوهش
۸	۴- سئوال اصلي پژوهش
۹	۵- سئوالات فرعي
۹	۶- فرضيه هاي پژوهش
۹	۷- اهداف پژوهش
۹	۸- روش پژوهش
۱۰	۹- روش گردآوري اطلاعات
۱۰	۱۰- سازماندهي پژوهش
۱۱	۱۱- چارچوب مفاهيم
	بخش اول، زمينه ها و بسترهاي تكوين نظريه ي اجتماعي رنه گنون.
۱۵	درآمد
۱۷	فصل اول، زمينه هاي وجودي غيرمعرفتي
۱۸	۱- زندگينامه
۲۱	۲- زمينه هاي فكري
	۲-۱- ريشه هاي اندیشه گنون در برخي مکاتب و
۲۲	اديان
۲۶	۲-۲- ميراث گنون
۲۹	۳- زمينه هاي اجتماعي
	فصل دوم، زمينه هاي وجودي معرفتي
	defined.
	۱- مباني نظري
	Error! Bookmark not defined. ۱-۱- هستي شناسي
	Error! Bookmark not defined. ۱-۲- انسان شناسي
	Error! Bookmark not defined. ۱-۳- معرفت شناسي
	Error! Bookmark not defined. ۲- رويکرد عرفاني

- شریعت، طریقت، حقیقت. **Error! Bookmark not defined.**
- ۳– روش شناسی بنیادین. **Error! Bookmark not defined.**
- Error! Bookmark not defined.** بخش دوم، نظریه‌ی اجتماعی رنه گنون **defined.**
- درآمد. **Error! Bookmark not defined.**
- فصل اول، فلسفه‌ی تاریخ. **Error! Bookmark not defined.**
- ۱– ادوار تاریخی. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲– عصر ظلمت. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲– زمینه‌ها و علائم حدوث پایان دوران **Error! Bookmark not defined.**
- فصل دوم، نقد مدرنیته. **Error! Bookmark not defined.**
- ۱– نقد اندیشه‌های فلسفی. **Error! Bookmark not defined.**
- ۱-۱– ظهور فلسفه در غرب. **Error! Bookmark not defined.**
- ۱-۲– مذاهب اصالت عقل و اصالت بشر **Error! Bookmark not defined.**
- ۱-۳– مذهب اصالت ماده. **Error! Bookmark not defined.**
- نقطه‌ی اوج انحراف در مرتبه‌ی هستی‌شناسی **Error! Bookmark not defined.**
- ۲– نقد علم و تکنولوژی نوین **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۱– علم از منظر گنون. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۲– تبیین متافیزیکی علم مدرن **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۳– روش‌شناسی علم مدرن. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۴– انواع علم مدرن. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۴-۱– روان‌شناسی جدید. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۴-۲– جامعه‌شناسی. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۵– تکنولوژی نوین. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۵-۱– گمنامی. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲-۵-۲– شهر گرایی. **Error! Bookmark not defined.**
- ۳– نقد فلسفه سیاسی. **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۱– عرفان و سیاست. **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۲– تبیین سنت‌گرایانه‌ی تئوری دموکراسی **Error! Bookmark not defined.**
- ۳-۳– لیبرالیسم و دموکراسی **Error! Bookmark not defined.**
- فصل سوم، جامعه آرمانی گنون. **Error! Bookmark not defined.**
- ۱– آینده‌ی جهان. **Error! Bookmark not defined.**
- ۲– جامعه‌ی مبتنی بر سنت. **Error! Bookmark not defined.**

Error!	بخش سوم، نظریه‌ی اجتماعی دیگر سنت‌گرایان	Bookmark not defined.
Error! Bookmark not defined.	درآمد	
Error! Bookmark not defined.	فصل اول، سنت	
Error! Bookmark not defined.	فصل دوم، مبانی نظری دیگر سنت‌گرایان	not defined.
Error! Bookmark not defined.	۱- هستی‌شناسی	
Error! Bookmark not defined.	۲- معرفت‌شناسی	
Error! Bookmark not defined.	۳- انسان‌شناسی	
Error!	فصل سوم، نظریه‌ی اجتماعی دیگر سنت‌گرایان	Bookmark not defined.
Error! Bookmark not defined.	۱- فلسفه‌ی جدید	
Error! Bookmark not defined.	۲- علم مدرن	
Error! Bookmark not defined.	نتیجه‌گیری	
Error! Bookmark not defined.	منابع و مآخذ	

مقدمه

نظریه‌های اجتماعی موجود در دنیای مدرن مبتنی بر نوعی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی است که بُعد متعالی هستی را نادیده می‌انگارد و آن را به ساحت عالم طبیعی تقلیل می‌دهد و به بشر، به عنوان موجودی تک‌ساحتی نظر می‌دوزد که در بُعد جسمانی خویش خلاصه شده است. در این نگاه، هسته‌ی اصلی دنیای متجدد در تقابل با حیات دینی مورد نظر ادیان وحیانی و اعراض از عقل قدسی و شهودی شکل می‌گیرد که با فروکاستن عقل شهودی به عقل استدلالی، سبب می‌شود که معرفت قدسی دسترس ناپذیر و حتی برای برخی بی‌معنا شود. در این حال، عقلانیت جدید، مدعی روشن ساختن تمام عرصه‌ی هستی در افق دریافت خود، می‌گردد. بدین ترتیب، غرب مدرن بنا بر ماهیت سکولارش جهان اجتماعی خویش را یا با متغیرهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تقلیل می‌دهد و یا به طرزی زیرکانه از کنار آن با سکوت می‌گذرد و این چنین، نظم اجتماعی موجود در آن را تبیین می‌نماید.

از قرن حاضر، که متجددان با اطمینان فراوان به آینده‌ی خویش، با هدف استیلاء یافتن در جهان به زدودن باقی مانده‌های سنن معنوی و سایر تمدن‌های جهان مشغول بودند، جریان‌های متأخری دغدغه‌ی حمله به حوزه‌های نظری و اجتماعی آن‌ها را در سر می‌پروراندند که از منظری دینی، مدرنیته را به چالش کشاند. بر این اساس، نقدهای آنان، نقدهایی نه از درون تجدد، بلکه انتقاداتی بیرونی و به عبارتی درون دینی بود که می‌توانست ریشه و بنیان مدرنیته را بخشکاند. بر این پایه، سنت‌گرایی از جمله جریان‌اتی است که مظهر‌گرایی است که از اوایل قرن بیستم، در قبال مدرنیته و در جهت برون رفت از بحران‌ها و آشوب‌های حاصل از آن شکل گرفت. این جریان، به دلیل ماهیت حقیقی‌اش، تا به امروز نیز متفکران زیادی را به خود جلب نموده است.

گرچه سابقه‌ی سنت‌گرایی، بر طبق ادعای این جریان، به دلیل اعتقاد به مجموعه‌ای از حقایق فراتاریخی، به سابقه‌ی تاریخ بشر بر می‌گردد، لکن به عنوان گرایش آگاهانه، به پاره‌ای از عقایدی، که به طور صحیح در قبال آراء انسان مدرن قرار می‌گیرد، با مساعی «رنه گنون»^(۱)، عالم و عارف فرانسوی، (۱۹۵۱-۱۸۸۶ م.) هویتی مستقل یافت. رویکرد غالب پوزیتیویستی موجود در فضای اجتماعی آن دوران، فضای فکری او را دچار تعارض نمود؛ پس از این سرگشتگی، به منظور دستیابی به «حقیقت»، به سنن معنوی شرقی روی آورد و از منظر عرفانی به بازخوانی جهان مدرن پرداخت؛ لذا عمده‌ی نظریات او، اجتماعی است و مبتنی بر مبانی نظری و رویکرد عرفانی است؛ از این حیث، این جریان واجد ظرفیت روشنفکری است که در آن «حقیقت» محور نظام هستی و جهان بینی آن مبتنی بر جمیع سنت‌های اصیل است.

بنابراین مبانی نظری سنت‌گرایی، ناظر به سلسله مراتب وجود است که رأس هرم، جایگاه ذات احدیتی است که همچون خورشیدی به دیگر مراتب، هستی می‌بخشد و در ظهور متجلی می‌گردد. بدین وصف، مراتب پائین‌تر بنا بر اصل تناظر معکوس، انعکاسی از مراتب بالاترند. تفکر سنتی، در بعد معرفت‌شناختی نیز همه چیز را متفرع از معنویت محض و معرفت مطلقه‌ی اشراق و شهود عقلانی می‌داند که دیگر مراتب معرفت متناسب با درجه و جایگاه خویش از آن کشف و شهود عرفانی ارتزاق می‌شود؛ از این حیث، در نگاه سنت‌گرایی جایگاه دیگر مراتب نیز تأیید می‌شود. با این نگاه، انسان ذومراتب است؛ اما سعادتش ناظر به توجهش به بعد الهی است. او جلوه‌ای از اسماء الهی است که اگر به این مقام واقف گردد به جایگاه رفیع انسان کامل می‌رسد و خلیفه‌ی خداوند بر زمین و واسطه‌ی آسمان و زمین می‌شود. از این حیث، مسیر شناخت عالم و آدم، علمی است که ترجمان حقایق واحد به زبان‌های گوناگون است و مراتب وجود را با زبان خاص خود ارائه می‌دهد.

عطف به این دیدگاه، خاستگاه نظریه‌ی اجتماعی گنون، بر پایه‌ی سلسله مراتب عمودی وجود است که به زعم وی، تنها مسیر صحیح تبیین عالم هستی است. نظریه‌ی اجتماعی

1. Rene Guenon.

سنت‌گرایی، علوم و موارد کاربرد آن را وابسته به اصل می‌دانند؛ پس تمام علم، نتیجه‌ی مسلم‌دکترین ماوراء‌الطبیعی است که سراسر، قدسی است. بنابراین، همین وابستگی امور به ذات است که نظریه‌ی اجتماعی‌گنون را در تقابل با نظریه‌ی اجتماعی‌تجددگرایان قرار می‌دهد. او پیوندی بین عمل و معرفت قائل است و بر شروع هر امری با معرفت تأکید می‌نماید. از این حیث، بحران دنیای متجدد را در غفلت متجددین از ساحت قدسی و معرفت‌شهودی می‌داند و معتقد است جهان مدرن، طبیعت را منقطع از مبدأ فاعلی و غایی تعریف می‌نماید. او در ابتدای امر، در فلسفه‌ی تاریخ، ادوار اجتماعی-تاریخی خویش را مبتنی بر سیر هبوط معنویت و گرایش به سوی کمیت، ترسیم می‌کند و پایان دوران را عصر ظلمت می‌نامد که در انتهای آن، عالم و تمام پدیده‌های اجتماعی از جمله علم، تکنولوژی و مناسبات اجتماعی و سیاسی به سوی انجماد و سیطره‌ی کمیت گرایش دارند و سرانجام، در این مسیر زمانی فرا خواهد رسید که «چرخ از حرکت باز خواهد ایستاد» و جهان و پدیده‌های آن به سوی انحلال سوق خواهد یافت. وی علت این امر را در حوزه‌های فلسفی و نظری مدرن می‌جوید. بدین ترتیب، انسان متجدد‌نگاه خویش را از آسمان به سوی زمین می‌برد و امور اجتماعی را به صورت زمینی تبیین می‌کند؛ حتی اگر در این میان، رو به سوی معنویت آورد، آن را از قلمرو دانی تفسیر خواهد نمود. اما با این وجود گنون فرجام تاریخ را مثبت ارزیابی می‌نماید؛ چرا که سرانجام حق بر باطل پیروز خواهد شد و پایان دوران، پایان دنیای متجدد توأم با تفکرات فردگرایی و حق‌گریزی خواهد بود که آن شروع دوره و من‌وتراپی است که همه‌ی پدیده‌های اجتماعی به اصل و ذات خویش متصل می‌گردند و جهان یکسره مشحون از معنویت محض خواهد شد.

مبحث مقدماتی

۱- بیان مسأله

در سده‌ی اخیر، جریان‌های متعددی در غرب و شرق در تقابل و تضاد با مدرنیته پا به عرصه‌ی وجود نهاد که به لحاظ مبادی و اصول با یکدیگر اختلافات بنیادینی داشتند؛ پیدایش برخی از این جریانات، همانند نگرش پست مدرن، مرهون زمینه‌های معرفتی مدرنیته بود که در آن علی‌رغم رویکرد انتقادی نسبت به جهان متجدد، به ویژه علم مدرن، از برخی اصول مبنایی آن دانش در جهت سازمان‌دهی نقدهای خود، بهره‌مند می‌شد که سرانجام به نوعی نسبت فهم و حقیقت دست یافت.

برخی دیگر از این جریان‌ها، خواهان صورتبندی مجدد فهم دینی از نظام هستی، نظام بشری، جامعه و تاریخ بودند که در آن معرفت دینی را نه در کنار دیگر معارف، بلکه تنها معرفت صحیح در فهم و درک هستی و انسان، مبنای نظریه پردازي خود قرار دادند و مجدانه و به طور همه جانبه به مبانی نظری دینی معطوف شدند. یکی از مهم‌ترین این جریان‌ها، سنت‌گرایی است که در غرب تولد یافت و با متفکرانی چون رنه گنون، فریتیوف شؤوان^(۱)، آناندا کوماراسوامی، ... و حسین نصر شناخته می‌شوند. این جریان فکری، با تأیید جمیع سنن و ادیان الهی، از منظری درون دینی به مسایل مدرنیته نظر می‌دوزد؛ از این رو، به لحاظ نظری متوجه حقایق و اصول لایتناهی و ثابتی است که براساس آن، حوزه‌های گوناگون از جمله مابعد الطبیعی، مشارب باطنی، نقد جهان مدرن و... را بررسی و تبیین می‌نماید؛ لکن این رساله، در صدد تدقیق و تشریح عمیق کلیه این جوانب نیست، بلکه تنها به لحاظ اجتماعی نگاه سنت‌گرایی به جهان مدرن و نقدهای وارد بر حوزه‌های اجتماعی آن را بررسی خواهد نمود؛ در این میان، اگر به برخی اصول و عناصر نظری می‌پردازد، صرفاً بخاطر فهم دقیق نظریه‌های اجتماعی

1. Friths of Schoun.

آنان است، چرا که این نظریه‌ها، مبتنی بر چارچوب مبانی نظری آن صورت می‌پذیرد.

بینش سنت‌گرایی، توأم با رویکرد عرفانی است که در آن نگاهی ویژه به خداوند، جهان و انسان دارد و خاستگاه نظریه‌ی اجتماعی سنت‌گرایی، در سه قلمرو هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی، بر پایه‌ی سلسله مراتب عمودی وجود است، به نحوی که مراتب پایین زنجیره در قالب رمز، بر طبق اصل تناظر و قیاس معکوس، تجلی مراتب بالاتر است. در تفکر سنتی، رأس این سلسله مراتب، ذات حضرت حق جای دارد و نظام هستی و موجودات آن مظهری از حقایق عالی‌ه‌اند که کمال شناخت آن، از مسیر اشراق و شهود عقلی می‌گذرد. با این نگاه، تمام مراتب عقول در درجه‌ی خویش سرچشمه‌ی علوم متعدد هستند که هر یک مقدمه‌ای برای عروج به مقام معنویت و حقیقت محض خواهند بود. در این راستا، نگاه عارفانه، عقل جزئی را، که در مراتب زیرین حوزه‌ی معرفت مستقر است، همچون مرکبی می‌پندارد که انسان را در مسیر حقیقت در محدوده‌ی خاصی حرکت می‌دهد که قابلیت آن را داشته باشد، زمانی که به محورهای حساس و جاده‌های پر پیچ و خم وقوف یافت، توانایی خویش را از کف می‌دهد، لکن در مسیر وصول به حقیقت، باید با مرکب شهود ره پیماید. لذا نگاه عرفانی سنتی، با خود نقد عقلانیت مدرن را به‌مراه دارد. بنابراین، سنت‌گرایان نقدهای مبنایی بر مدرنیته وارد آورده‌اند.

بینش سنتی، که قائل به پیوند معرفت و عمل است و از این حیث، معتقد است هر امری و لو حوزه‌های اجتماعی موجود در عالم کثرت، باید از معرفت آغاز شود؛ در این راستا، بر این نظر است که جهان مدرن با نفی کشف و شهود عقلی و عنایت به عقل استدلالی محض، خود را محدود به عالم بشری و طبیعی نموده است. در این میان، در عرصه‌های اجتماعی روز به روز کمیت بر کیفیت غلبه می‌یابد.

سنت‌گرایان معتقدند، دنیای مدرن بدین جهت خویشتن خود را در دام انحطاط از مسیر حقیقت و سنت هلاک خواهد نمود و به پایانی دهشتناک نزدیک خواهد شد. لکن این پایان، پایان عالمی است که جز با تبلیغات باقی مانده بود. آنان هر گونه نظریه پردازی را، که حول دروغ

پردازي‌هاي تبليغاتي و به دور از حقيقت شکل پذيرد، غير واقعي مي‌خوانند. در اين رساله بر آنيم نقدهاي سنت گرايان بر حوزه هاي نظري و اجتماعي مدرنيته نظير فلسفه، علم و تکنولوژي نوين، سياست با استناد به مباني نظري اين جريان فکري استخراج شود. براي وصول به اين مهم، آراء رنه گنون، پدر اين جريان، به عنوان نماينده ي سنت گرايي، در محوريت بحث قرار خواهد گرفت.

۲- اهميت موضوع و فايده آن

امروزه، سه گرايش تجددگرا، پسا تجددگرا و سنت‌گرا به صورت چشم‌گير و جدي در درون صحنه ي فرهنگي جامعه ي بشري، از جمله ايران، نفوذ يافته‌اند و نمايندگان آن، به شکل عميقي با يکديگر تبادل آراء مي‌نمايند و به واکاوي مسایل پيش رو و مرتبط مي‌پردازند. گرايشات ضد سنت، سنت را در معرض تهجمات و افري قرار داده و به منظور منزوي ساختن آن، اقدامات فراواني را به عمل آورده‌اند. مدرنيته خويشتن خويش را در مکاتب فلسفي محبوس نکرده، بلکه حوزه هاي اجتماعي، به ويژه علم، را نيز در نورديده است؛ لذا نقادان مدرنيته نيز از پرداختن به حوزه هاي اجتماعي کوتاهي نکرده‌اند. اگر رويکرد عميق انتقادي نسبت به مباني و بنيانهاي نظري و مظاهر علمي، تکنولوژيکي و سياسي غرب مدرن، فراگير گردد، بي‌ترديد، سرآغاز يک رستاخيز بزرگ فکري - معنوي، جهت عبور از تونل وحشت تجدد زدگي سطحي و شبه مدرنيته ي بيمار در جهان مي‌شود.

بدین ترتیب، شناخت و سنجش جريانات معاصر فرهنگي، اگرچه براي تثبيت موقعيت، دغدغه ي نسل امروز ماست، لکن گام نهادن در مسير شناخت بدون تأمل نظري و کوشش در فهم آنها، تمناي محالي است که از ميان جريانات فرهنگي روزگار ما، سنت‌گرايي در خور توجه و تأمل است. سنت‌گرايي و نواندوشي، در فضاي امروز به عنوان دو جرياني، که در تقابل با يکديگر معنا مي‌يابند، هر يک به ترتيب در جهت رد کامل و پذيرش تمام مدرنيسم مطرح هستند؛ لذا اين رساله به منظور توصيف جريان سنت گرايي، نظريه ي اجتماعي رنه گنون را در کانون توجه خود قرار مي‌دهد.

۳- سابقه ي پژوهش

این رساله، تحت عنوان مذکور در صدد بررسی دیدگاه های اجتماعی سنت گرایان، به ویژه رنه گنون است. از آنجا که فعالیت های سنت گرایان به دو بخش دین شناسی و نقد دنیای مدرن منقسم می گردد، تاکنون تنها مقالاتی گردآوری شده است که به بیان این دو موضوع، به طور مجزا و کوتاه پرداخته اند و اگر کتابی نیز در این باب یافت شود، صرفاً به بیان آثار و زندگی نامه های بسنده نموده اند. در اینجا به چند نمونه اشاره می نمایم.

– مقاله ای تحت عنوان «حقیقت سرانجام فاتح خواهد شد: رنه گنون احیاگر حکمت معنوی در غرب» اثر حسن آذرکار در نشریه ی جام جم به زندگی نامه رنه گنون اشاره دارد. در این مقاله، در مورد تأثیر ادیان شرقی بر گنون، همچنین به ذکر برخی آثار او پرداخته است.

– مقاله ای دیگر با عنوان «راهی در مدرنیته» از آقای محمدرضا ارشاد، در هم شهری ماه در سال ۱۳۸۳ منتشر شده است که در آن نیز به طرح مختصری از زندگی گنون، نگاهی کوتاه به مدرنیته، سنت و میراث وی پرداخته است.

– «خرد جاویدان، مجموعه مقالات همایش نقد تجدد از دیدگاه سنت گرایان معاصر» کتابی است که در سال ۱۳۸۰ به همت شهرام یوسفی به چاپ رسیده و مقالاتی در آن ارائه شده که بیشتر با نگاه فلسفی و اندیشگی به نظرگاه های سنت گرایان، نگاشته شده است، لکن در ارائه مفاهیم و کلیاتی که در این رساله مد نظر است، قابل بهره برداری است.

– «حکمت جاویدان (آثار سنت گرایان معاصر» به کوشش حسن خندق آبادی تدوین گشته که چند اثر ترجمه شده ی برخی سنت گرایان معروف و مطرح و نیز زندگی نامه های آنان را تشریح نموده است.

۴- سؤال اصلی پژوهش

نظریه ی اجتماعی سنت گرایان، به ویژه رنه گنون چیست و بر چه اساسی شکل گرفته است؟

۵- سئوالات فرعي

- منظور از سنت در دیدگاه گنون و سنت گرایان چه می باشد؟
- زمینه های تکوین نظریه ای اجتماعی گنون چیست؟
- مبانی نظری مدرنیسم از منظر سنت‌گرایی و گنون چه می باشد؟
- ریشه های بحران دنیای متجدد از دیدگاه گنون چه می باشد؟

۶- فرضیه های پژوهش

- اندیشه ای اجتماعی گنون با مبانی فلسفی او تناسب دارد.
- بنیان های نظری گنون متفاوت با مدرن است، پس اندیشه ای اجتماعی او در تقابل با اندیشه ای مدرن است.
- نقدهای اجتماعی او به جهان مدرن مبنایی است.

۷- اهداف پژوهش

- از آنجا که سنت‌گرایی، یکی از جریان‌ات روشنفکری دینی معاصر است و عطف به اینکه این جریان‌ات باید با تأمل نظری و بنیادی بیشتری دنبال گردد؛ این رساله قصد دارد بنیان‌های نظری این گرایش را با توجه و تأکید بر آراء رنه گنون، دنبال کند و دیدگاه های اجتماعی آنان را موشکافانه بکاود تا قدمی هر چند ناچیز، در جهت نورانیت مسیر روشنفکری دینی حقیقی، گذارد و پیچکهای آن را بزدايد.
- از این رو، نگارنده این پژوهش را در راستای حصول اهداف ذیل تدوین نموده است:
- هموار نمودن مسیر روشنفکری دینی واقعی از طریق آگاهی بخشی این جریان به جامعه علمی؛
- ترسیم مبانی نظری با رویکرد عرفانی؛
- ترسیم هندسه ای مدرنیته و سرانجام آن از منظر سنتی؛

۸- روش پژوهش

- روش پژوهش، از نوع توصیفی - تحلیلی است. زیرا طبق فرضیه، بین مبانی نظری گنون و سنت‌گرایان و اندیشه ای اجتماعی آنان ارتباط برقرار شده است.

۹- روش گرد آوري اطلاعات

اين رساله، عطف به رسالتش، در صدد است به واکاوي آثار گنون بپردازد؛ از اين حيث، به خوانش آثار، به ويژه دو کتاب «بحران دنياي متجدد» و «سيطره ي کميت و علائم آخر زمان مي پردازد»، که حاوي مطالب پر محتوا و عميق و در عين حال سنگين، در باب موضوعات بنيادي و معرفتي و نيز اندیشه هاي اجتماعي وي مي باشد. بدین ترتیب، اين رساله به روش «تحليل متن» و استخراج موضوعات اجتماعي تدوين شده است.

۱۰- سازماندهي پژوهش

اين پژوهش شامل چکيده، مقدمه، مبحث مقدماتي، سه بخش و نتيجه گيري مي باشد.

مبحث مقدماتي: که شامل (بيان مسأله، اهميت موضوع و ضرورت بحث، سابقه ي پژوهش، سئوال اصلي، سئوال فرعي، فرضيه هاي پژوهش و...) است.

بخش اول: زمينه ها و بسترهاي شکل گيري نظريه ي اجتماعي گنون که شامل: فصل اول، زمينه هاي غير معرفتي (زندگينامه، زمينه هاي فکري، زمينه هاي اجتماعي) و فصل دوم، زمينه هاي معرفتي (مباني نظري، رويکرد عرفاني و روش شناسي بنيادين).

بخش دوم: نظريه ي اجتماعي رنه گنون که شامل: فصل اول، فلسفه ي تاريخ (ادوار تاريخي، عصر ظلمت، زمينه هاي شکل گيري جامعه ي آرمانی) و فصل دوم، نقد مدرنيته (نقد اندیشه ي فلسفي، نقد علم و تکنولوژي نوين، نقد فلسفه ي سياسي) و فصل سوم، جامعه ي آرمانی گنون (آينده ي جهان، جامعه ي مبتني بر سنن معنوي)

بخش سوم: نظريه ي اجتماعي ديگر سنت گرايان که شامل: فصل اول، سنت، فصل دوم، مباني نظري سنت گرايان، فصل سوم، نظريه ي اجتماعي سنت گرايان

در پايان نتيجه گيري و فهرست منابع از پژوهش به عمل آمده است.

۱۱- چارچوب مفاهيم

۱۱-۱- نظريه

تئوري (نظريه)، در لغت به معنای اندیشیدن و تحقیق آمده که از «تئوریاي» یونانی گرفته شده است. با گسترش علوم، مفهوم این واژه نیز توسعه یافته و به اندیشیدن در باب هر مسأله‌ای اطلاق می‌شود. دکتر توسلی در باب تعریف نظریه موارد و تعاریفی چند، بیان نموده است؛ اما در این میان، تنها تعریفی که پذیرفته‌اند این است که «نظریه، هم‌نگری جامع قضایای متعدد در قالب یک مجموعه‌ی پیوسته و منطقی است که به کمک آن می‌توان برخی از پدیده‌ها را تبیین کرد»^(۱). وی، این تعریف را به حقیقت نظریه نزدیکتر می‌داند.

۱۱-۲- مدرن

واژه‌ی «مدرن»^(۲) از لفظ لاتینی Modernus و از قید Modo مشتق شده است. در زبان لاتین، Modo به معنای «به تازگی، اخیراً، تازه» است. ظاهراً کاربرد Modern و Modernus، به قرن پنجم و ششم میلادی بر می‌گردد. در حدود سال ۱۴۶۰م.، کلمه‌ی مدرن به معنای امروزی در زبان فرانسه بکار می‌رفته است.^(۳)

۱۱-۳- مدرنیته

مدرنیته، با ریشه‌های عمیق در تحولات تاریخی، میراث خوار شش قرن تحولات (یعنی از قرن ۱۴ و رنسانس به این طرف) محسوب می‌شود. مدرنیته چیزی نیست جز دستاورد عمیق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فکری، فرهنگی و... در تمام حوزه‌های فردی و اجتماعی بشر. اگرچه این دستاوردها از سالیان دور شروع شدند، لکن اوج آن‌ها از قرن هجدهم به بعد می‌باشد. برخی، ضمن اشاره به تأثیر رنسانس و رفورماسیون در شکل‌گیری پایه‌های اصلی مدرنیته، عمدتاً روشنگری را پیش‌زمینه‌ی واقعی مدرنیته محسوب می‌دانند، و در این رابطه ضمن بررسی جایگاه یا

۱- غلامعباس توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۱، ص ۲۵.

2. Modern.

۳- شهریار زرشناس، مبانی نظری غرب، چاپ اول، تهران: کتاب صبح، ۱۳۸۱، ص ۳۵.

مکان و موقعیت اجتماعی، تاریخی و جغرافیایی روشنگری و ظهور جریانات فکری و نظری متعدد نظیر «اصحاب دایره المعارف» و بسیاری از دیگر جریانات، به نخستین تقابل و رویارویی سنت و مدرنیته اشاره می‌کنند؛ سپس با توجه به نظام‌های اجتماعی و ساختارهای اجتماعی، تحولات مذکور را همراه با پیدایش علوم جدید پیش درآمد اصلی شکل‌گیری مدرنیته می‌دانند.^(۱)

۴-۱۱- سنت

هر تعریفی از سنت تابع دیدگاه معرفتی تعریف‌کننده است؛ از این حیث، برخی تعاریف، مبتنی بر نگاه دینی و برخی دیگر از منظر دنیای مدرن است. سنت در برخی از این تعاریف، حقیقتی آسمانی، الهی، مقدس و واقعیتی پر نشاط دارد و مجرای حیات و مسیر مستمر افاضات متجدد و متحولی است که همواره تازه است. سنت در این تعریف، از ثبات و استمرار زمانی برخوردار است و در مواردی نیز، که تغییر زمانی را می‌پذیرد، همچنان از چهره‌ای ازلی و ابدی بهره‌مند می‌باشد. لکن در برخی دیگر از تعاریف، قالب سنت، فرسودگی است و کهنگی از آن به مشام می‌رسد. دوام، استمرار و قداست نیز عارضه‌ای است که به اصرار پیروان، بر آن تحمیل می‌شود. در تعاریف مدرن، سنت همان چیزی است که صرفاً متعلق به گذشته است. چیزی که در گذشته سنت نبوده، بلکه زمانی که از ظرف خود عدول کرده و تا زمانی دیگر، که متعلق به آن نیست، دوام آورده و حالا تبدیل به سنت شده است. سنت در نگاه جامعه‌شناختی رایج، ترجمه Tradition و مرادف با آن گرفته می‌شود و به معنای شیوه‌ای از رفتار و کردار است که دارای پیشینه بوده و در اثر تکرار، به صورت عادات مستقر و عمیق در ذهنیت مشترک جامعه رسوب می‌نماید. در مقابل سنت، تجدد و مدرنیته است که با واقعیت متحول و متغیر انسان و جهان همساز بوده و در نهایت نیز بر سنت غالب می‌آید و این تعریف از سنت، با هستی‌شناسی مادی و دانش علمی (علم به معنای Science) سازگار است.^(۲) اما سنت در نگاه دینی، مرادف با دین و شریعت و مطابق با اراده‌ی تشریحی خداوند است. سنت شیوه‌ای از

۲- فریتیفوف شؤوان، گوهر و صدف عرفان اسلامی، ترجمه مینو حجت، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۱، صص ۱۰۷-۱۰۸.
 ۱- حمید پارسانیا، سنت، ایدئولوژی، علم، چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵، صص ۲۰-۲۲.

زندگي و زيست است که عقل به تنهائي عهده دار شناخت آن نيست، بلکه وحی و شهود ديني نيز در تبیین آن دخيل است.^(۱) بر این اساس، «سنت علمي است که بر شهود خالص و ناب ديني استوار است؛ شهودي که الهي بوده و از مشاهده و ملاقات با حقايق مطلق و فراگیر حاصل مي‌شود. چهره ي الهي شهودي، که در متن سنت نهفته و آغاز و انجام آن را تشکيل مي‌دهد، به سنت، قداست و حرمتي الهي نيز مي‌بخشد»^(۲). این رساله، با تأکید بر نظر متفکر اصلي تعريف اخير از سنت را مي‌پذیرد.

۵-۱۱- سنت‌گرایی

سنت‌گرایی، یک جریان روشنفکري ديني است که در اوایل قرن بیستم، به عرصه ي فکري و اجتماعي غرب وارد شد که در آن محیط، زمینه‌ها و وضعيتهاي اجتماعي مدرنيته بر صحنه‌هاي فرهنگي، چهره ي غالبی داشت. این جریان، در قبال مدرنيته و اندیشه‌هاي آن و نيز به منظور برون رفت از نابساماني‌ها و آشوبهاي حاصل از آن، شکل‌گرفت و تا به امروز نيز روز به روز در جهان رشد و گسترش مي‌یابد.

۶-۱۱- سنت‌گرایان

سنت‌گرایان، گروهی هستند که همگام و هم‌صدا با پدر این جریان، آهنگ تقابل با مدرنيته را سر دادند و ساحت دنياي متجدد را با تندترین نقادي‌هاي خود ویران ساختند. در این میان، مي‌توان به بزرگان آن مانند فریتيوف شووان، آناندا کومارا سووامي، مارکو پالیس، تیتوس بورکهارت و... حسین نصر اشاره نمود.

۷-۱۱- رنه گنون

رنه گنون، بنیانگذار جریان بزرگ سنت‌گرایی است که به این لحاظ، به پدر این جریان شهرت یافته است. رنه گنون گرچه در دوران حیات خود، به دلیل فضاي سکولار حاکم بر آن زمان و نيز به سبب پافشاري او به سنتهاي الهي و مباني نظري بر آمده از نگاه ديني خود و نقد بر نظام سلطه، از محبوبیت لازم برخوردار نبود و بدین خاطر، تا پایان عمر خود در انزوا قلم مي‌زد، اما

۲- همان، ص ۳۰.

۳- همان، ص ۳۳.

امروزه به دليل بروز حوادثي كه وي پيش بيني مي نمود و از سوي ديگر به خاطر منظر ديني اي كه داشت، اين جريان در جوامع متعدد، حتي كشورهاي غربي شاهد رشد متزايد است. براي آشنائي بيشتر وي، بخش جداگانه اي به رنه گنون اختصاص يافته است.

بخش اول،

زمينه ها و بسترهاي
تكوين
نظريه ي اجتماعي
رنه گنون

درآمد

نظریه اجتماعی، همنگری جامع قضایای متعدد در قالب مجموعه‌ای به هم پیوسته و منطقی است که به مدد آن پدیده‌های اجتماعی تبیین می‌شوند. تکوین و پیدایی یک نظریه‌ی اجتماعی مستلزم امکان تحقق زمینه‌های متعدد وجودی است؛ این زمینه‌های وجودی در قالب زمینه‌های وجودی غیرمعرفتی و زمینه‌های وجودی معرفتی، بسترهای لازم جهت شکل‌گیری نظریه‌های اجتماعی را فراهم می‌آورند. چارچوب تئوریک یک نظریه‌ی اجتماعی، مبانی معرفتی و منطقی است که فی‌نفسه و مستقل، لوازم و روابط منطقی نظریه را فراهم می‌کنند؛ برخی از این مبانی، هستی‌شناختی، برخی انسان‌شناختی و برخی نیز معرفت‌شناختی هستند. از دل این مبادی، روش‌شناسی بنیادین و رویکردهایی متولد می‌شوند که بیانگر فرآیند شکل‌گیری و مسیر نظریه است. باید گفت، این بنیان‌های معرفتی، که در عمیق‌ترین لایه‌ی معرفتی قرار گرفتند، در سطوح بعدی فرهنگ، یعنی در علوم جزئی و کاربردی، ارزش‌ها، هنجارها، مناسبات و نمادهای اجتماعی، خود را نشان می‌دهند.

بنابراین نظریه، علاوه بر زمینه‌های وجودی معرفتی، از زمینه‌های وجودی غیرمعرفتی نیز بهره می‌برد؛ چه بسا، تأثیر این دسته از زمینه‌ها کمتر از زمینه‌های معرفتی نباشد. این زمینه‌ها فردی یا اجتماعی هستند؛ عوامل فردی، که در تکوین نظریه مؤثرند، به زمینه‌های شخصیتی مانند نبوغ، انگیزه‌های شخصی، زمینه‌های خانوادگی، تجربیات زیستی، خصوصیات روانی باز می‌گردد. زمینه فکری نظریه پرداز، که تا حدودی زمینه فردی را تشکیل می‌دهد، فضای فکری، مکاتب و افراد مؤثر بر او را، که در تولید نظریه به طور غیرمستقیم کمک کرده‌اند، مشخص می‌سازد. زمینه‌های اجتماعی نیز به محیط اجتماعی‌ای، که نظریه‌پرداز در آن زندگی می‌کند و در فضای ذهنی او تأثیرگذار است، باز می‌گردد.

حال با این مقدمه، به شرح این زمینه‌ها و ابعاد منطقی نظریه‌ی اجتماعی رنه گنون می‌پردازیم، که با تأکید بر آن نظریه‌ی اجتماعی سنت‌گرایان تبیین می‌شود.

فصل اول،

زمينه‌هاي وجودي غير معرفتي

این فصل، به بررسی فرآیند شکل‌گیری شخصیت متفکر بزرگ سنت‌گرای فرانسوی و نیز زمینه‌های فکری و اجتماعی وی اختصاص دارد.

۱- زندگینامه

رنه گنون در پانزدهم نوامبر سال ۱۸۸۶م، در شهر کوچکی در نزدیکی پاریس به نام «بلوا»^(۱) دیده به جهان گشود. نام کامل مسیحی او، «رنه ژان ماری ژوزف گنون»^(۲)، ذکر شده است. پدرش «ژان - باتیست گنون»^(۳)، معمار بود و مادرش «آنا - لئونتین ژلی»^(۴)، که متعلق به یک طبقه مرفه در بلوا .

این نویسنده نامدار فرانسوی، که در خانواده‌ای کاتولیک زاده شده بود، به شیوه‌ای کاتولیکی پرورش یافت. تحصیلات ابتدایی خود را نزد خاله‌اش، که معلم بود، گذراند. کودکی وی در آرامش همراه با موفقیت‌های درسی و بیماری‌های متعدد سپری شد. تحصیلات متوسطه‌ی خود را در مدرسه‌ای مسیحی طی نمود. سپس در پاریس به فراگیری ریاضیات و فلسفه مبادرت ورزید. در سال ۱۹۰۲م به عنوان دانشجوی رشته بلاغت به تحصیل ادامه داد؛ لکن یک سال بعد از آن، تصمیم گرفت در رشته فلسفه مشغول شود و در همان سال موفق به اخذ گواهینامه فلسفه و ادبیات شد. در اکتبر ۱۹۰۴م دانشجوی ریاضی در «کالج رولن»^(۵) پاریس گردید؛ اما به دلیل بیماری، تحصیلات آکادمی خود را نیمه تمام رها کرد. وی به واسطه روح کاوشگرش در جستجوی شناختی اصیل بود که نه در محافل علمی و نه در مراجع دینی بدست می‌آمد. در مسیر دستیابی به مطلوب حقیقی خویش و در حالیکه نا امید از مراجع مذکور بود؛ در سال ۱۹۰۷م به راهنمایی آموزگار خویش، پا به عرصه‌ی هزار توی حلقه‌های بیرون احضار و صاحبان علوم خفیه نهاد. اما مدعیاتشان را منسوب به

1 - Blois.

2 - Rene Jean Marie Joseph Guenon .

3 - Jean -Baptist Guenon.

4 - Anna - Leonine Jolly.

5 - College Rollin.

کژاندیشی یافت. «او که به دنبال استاد و مرادی با اقتدارهای مسلم می‌گشت، تنها به پاپ‌های کوچک مدعی بر خورد کرد»^(۱). او وارد لژهای فراما سونری شد و در مدتی کوتاه موفق به اخذ مدارج عالی گردید. سال بعد از آن، در کنگره «فراماسونری و روح‌گرایی» به عنوان دبیر فعالیت نمود. به دنبال سخنان پاپوس، رئیس مدرسه دینی، در آن کنگره مبنی بر اینکه روح بعد از مرگ به دنیا باز می‌گردد و سپس از استقرار در بدن دیگر موجودات، متکامل (تناسخ) و بدین شکل فنا ناپذیر می‌شود، سمت دبیری را رها کرد. «در واقع، او از طریق همین رفت و آمدهای مکرر در درون این گروه‌های به اصطلاح «باطنی» بود که توانست به انواع انحرافات و مدعیات عجیب و غریبی که در سال‌های بعدی زندگی خود ضرورتاً مورد مطالعه قرار داد و با چنان تفضیلی افشاء کرد، پی‌ببرد»^(۲). در آن سال‌های جوانی با سرشناسان کلیسای عرفانی آشنا شد. چون گمشده‌ی دیرینش، حکمت اصیل، را نیافت، سر از ادیان شرقی در آورد. ابتدا به دنبال معارف باطنی هندی اسیل رفت و با برخی از هندوهای مکتب «ادویتا ودانتا»^(۳) در پاریس ارتباط برقرار کرد، که یکی از آنان او را به جرگه سلسله‌ی معنوی شیوایی وارد ساخت.

«دانستنی‌های ما درباره جا و زمان این برخورد و آشنایی اندک است و خود او هم گویا درباره‌ی آن هندوها سخنی بر زبان نیاورده و چنین بر می‌آید که بیش از یکی دو سال با آن برخورد و تماس نداشته است. با این همه آنچه وی از آنان فرا گرفته در نوشتگانش بازتاب پیدا کرده [است]»^(۴).

دیری نپائید که به فرقه‌های صوفیه اسلامی متمایل گشت و با عرفان اسلامی نیز آشنا شد. در سال ۱۹۰۹م با مجله «گنوس» (شناخت) همکاری کرد و ویراستاری آن را بر عهده گرفت. در نوامبر ۱۹۱۰م، اولین مقاله‌اش در آن مجله به چاپ رسید. این مجله مدت دو سال منتشر شد که

۱- رنه گنون، نگرشی به حقایق باطنی اسلام و تائوئیسم، دل آرا قهرمان، چاپ اول، تهران: نشر آبی، ۱۳۷۹، ص ۷.

۲- حسین نصر، معرفت و معنویت، انشاء... رحمتی، چاپ دوم، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی (مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها)، ۱۳۸۵، ص ۲۱۵.

3- Advaita Vedanta..

۴ - مارتین لینگز، «رنه گنون»، مصطفی عقیدلی، ماهنامه پژوهشی اطلاعات حکمت و معرفت، شماره دوم، سال سوم، ۱۳۸۷، ص ۴۲.

گنون به نشر اندیشه‌های مورد علاقه‌اش در باب تصوف اسلامی پرداخت، که می‌توان گفت پایه و اساس جستجوهای ماوراء الطبیعه‌ی او هستند.

بتدریج در عرصه‌ی مذهبی، نقاط عطفی برای گنون ایجاد می‌شد. در سال ۱۹۱۰م، با نقاش سوئدی به نام «جان گوستاو آگلی» آشنا شد که او به دین اسلام مشرف شده بود و نام خود را به «عبدالهادی» تغییر داده بود. او، که به شدت از طریق تصوف به دین اسلام آگاهی یافته بود، در سال ۱۹۱۲م توسط عبدالهادی، «خلیفه عبدالرحمن ایلش الکبیر»، رهبر طریقت شاذلیه، عالم مالکی و شیخ الازهر اسلام آورد و تا پایان عمر نیز مسلمان ماند؛ زیرا به تعبیر خودش، اگر حقیقت برای افراد روشن شود، دیگر از آن رو برگردان نخواهند بود.

وی در همان سال با زنی فرانسوی ازدواج نمود و تا پایان زندگی مشترکش مسلمان شدنش را ابراز نکرد. گنون که در سال ۱۹۰۶م به دلیل عدم سلامتی از خدمت نظام وظیفه معاف شده بود، در سال ۱۹۱۴م به جنگ فرا خوانده نشد و تماماً به کار تألیف اندیشه‌هایش مبادرت نمود. بر اساس آثار این متفکر، محتوای کتبی که بعد از جنگ جهانی به رشته تحریر درآمد، بر مبنای بنیان‌های نظریش، به دنیای متجدد با نقادانه‌ی جدی خویش حمله ور شد.

در سال ۱۹۱۶م پایان نامه‌اش را در باب «لایب نی‌تس» به چاپ رساند. وی در همان سال با «ژاک مارتین»، تأثیرگذارترین اندیشمند کاتولیک قرن بیستم، آشنا شد و پایان نامه‌ی دکترایش را بر اساس آموزه‌های آیین هندو نگاشت؛ اما مورد پذیرش واقع نشد. «این پایان نامه، بعدها در سال ۱۹۲۴م با عنوان «شرق و غرب» به چاپ رسید که بزرگترین کار وی در باب معنویت و حکمت تطبیقی غرب و شرق است»^(۱).

از اکتبر ۱۹۱۷م، به تدریس زبان‌های فرانسوی، لاتین و فلسفه در دانشگاه شهر «سیف» الجزایر پرداخت و در آن شهر بود که به زبان عربی مسلط و با برخی صوفیان نیز آشنا شد. یک سال بعد از آن، پس از ورود به فرانسه در دانشگاه Augustin - Thierry در بلوئیس، مدرس فلسفه شد. اما در دهه ۲۰، کتابدار دانشگاه پاریس شد و در آن سال‌ها

۱- محمدرضا ارشاد، «نگاهی به اندیشه‌های رنه گنون؛ پایه گذار سنت گرایي: راهی به سوی مدرنیته»، همشهری ماه، شماره یکم، دی ۱۳۸۳، ص ۴۲.

بود که با افراد هندو، مسلمان و مسیحی دیدارهایی داشت. در سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۷م به عضویت هیأت تحریریه ی مجله‌ی *Levoile disis* درآمد و این امکان را یافت تا آزادانه افکار خود را به اطلاع دیگران برساند. در سال ۱۹۲۸م همسرش را از دست داد و دو سال بعد به مصر رفت. گویا با این هجرت، سمت و سوی فکری خود را عملاً نشان داد و سعی نمود تا خود را با خوی و عادات میهن جدیدش وفق دهد. «همسری مصری اختیار نمود و در خانه‌ای سنتی در نزدیکی «اهرام» که هم به لحاظ فیزیکی و هم به لحاظ معماری با محل سکونت وی در پاریس فاصله‌ی بسیار داشت روزگار گذرانید»^(۱) و نام «شیخ عبدالواحد یحیی» را برای خود انتخاب نمود. دو کتاب «معانی رمز صلیب»^(۲) (۱۹۳۱) و «مراتب متعدد وجود»^(۳) (۱۹۳۲) را در مصر نگاشت و مقالاتی را در مجله «المعارف» به زبان عربی نوشت. همچنین، با مسلمانان و تازه مسلمانان دیدار داشت.

«او بسیار رازدار بود و هرگز نشانی واقعی از خود بجای نگذاشت. از اینکه بعضی افراد به [وی] حمله کنند، به شدت هراسان بود و می‌خواست ناشناس بماند»^(۴). اما با این وجود، مورد احترام مردم بود. در سال ۱۹۴۹م تقاضای ملیت مصری نمود و بتدریج سلامتی وی رو به کاستی گرائید. سرانجام در هفتم ژانویه سال ۱۹۵۱م با ذکر نام «الله» بدرود حیات گفت.

۲- زمینه‌های فکری

به تعبیر «مارتین لینگز»، که در سال‌های پایانی عمر گنون، با وی روابط دوستانه بسیار نزدیکی برقرار کرده بود، معتقد است او دارای شخصیتی بسیار تودار و کم سخن بود؛ از این رو، اطلاعات ما از زندگی وی و تعاملاتش با بزرگان هم عصر خویش و افراد دیگر، بسیار ناچیز است. لکن، به لحاظ نگرش انتقادی بر جهان مدرن و اهمیتش به این حوزه، به نظر می‌رسد، متأثر از بررسی‌های بحران علم اروپایی هوسرل، فلسفه‌ی آلمانی هایدگر،

۱- حسین نصر، معرفت و معنویت، پیشین، ص ۲۱۶.

2 - The symbolism of the cross .

3 - The multiple states of the Being .

۴ - حسین خندق آبادی، حکمت جاویدان، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه

توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۳.

که به صورتی رادیکال و مبنایی جوهر غرب را زیر سؤال برد^(۱) و نظریه‌ی افول قریب الوقوع تمدن غرب اشپنگلر در کتاب «فلسفه سیاست» وی و نیز افکار و آثار هانری کربن باشد. این اندیشمند فرانسوی، مردی فرهیخته و دارای هوش خارق العاده‌ای بود که این امکان را به او داد تا در سن سی سالگی خلأهای فکری دوران خویش را به خوبی بازشناسد و در رأس هرم معرفتی دوران خویش جای گیرد.

گنون بدلیل نقادی جدی دنیای غرب زمان خود و روی آوری به ادیان شرقی مورد بی‌مهری و بی‌توجهی کامل اغلب معاصرانش قرار گرفت، حتی ذکر نام او در دانشگاه‌های فرانسه، کفر و الحاد تلقی می‌شد. او با اینکه در شرق شناسی، جامعه‌شناسی معاصر، تاریخ ادیان و فلسفه تبحر داشت، لکن از عناوینی چون «مورخ ادیان» یا «جامعه‌شناس»... بیزاری می‌جست.

حال در این قسمت، به منظور فهم بیشتر زمینه‌های فکری گنون، ریشه‌های اندیشه‌ی وی را در برخی مکاتب و ادیان دنبال می‌کنیم و سپس به آثار وی، که حاصل تأثیرات متفکران و مکاتب است، نظر می‌افکنیم.

۱-۲- ریشه‌های اندیشه گنون در برخی مکاتب و ادیان

از آنجا که روح حقیقت طلبی، در درون گنون موج می‌زد و او را به عرفان و حکمت واقعی و حقیقت را ستین ندا می‌داد، این متفکر غربی را به مکاتب و ادیان غربی و سرانجام شرقی رساند و رهایی غرب از اضطراب را در بازگشت به کاتولیک اویل و مکاتب شرقی همچون هندو، تائو و نیز تمدن اسلامی و سنن معنوی می‌دانست. وی مکاتب و تمدن‌های مبتنی بر معنویت و سنت را در ظاهر متفاوت، اما در باطن دارای روحی یکسان می‌پنداشت.

گنون بخاطر تربیت کاتولیک‌اش، ابتدا در فضای فکری سنت کاتولیک سیر می‌کرد؛ فضای فکری آن دوران، به دلیل تفوق علوم تجربی و سیطره‌ی آن بر دیگر علوم در رنسانس، به سمت مدرنیسم، نسبی‌گرایی و مخالفت با معنویت و حقیقت بود. اما کاتولیک‌های مخالف مدرنیسم اروپایی از نوعی سنت‌گرایی جانبداری می‌کردند که بر پایه مرجعیت پاپ استوار بود. لذا، چنانچه گذشت، او

۵ - هرچند جهت‌گیری کلی و انتقادات اساسی او به تفکر اومانیستی مدرن، به دلیل اندیشه‌ی پست مدرن، منطبق با منظر اعتقادات دینی و سنتی نیست.

که در جستجوی حقیقت و نیز راه کار اجتماعی برای بیماری‌های دنیای مدرن، دچار سرگشتگی شده بود، ابتدا از کاتولیک آغاز می‌نمود.

همچنین، مدتی در مکتب هرمتیک پاپوس، در جستجوی بنیادهای حقیقی سنت و وقت صرف نمود. «مکتب هرمتیک، مکتبی است که آموزش‌هایش به حیثی جهان‌شناختی مربوط است و نیز به گسترش‌های مرتبه‌ی بشری در مرتبه‌ی لطیف»^(۱) اشاره دارد. گنون، مقامات و مراتب آن تشکیلات را به سرعت طی نمود تا این که به مقام سرور ناشناس، وارث «سنت ایودالودر» نائل آمد. لازم به ذکر است، پاپوس مدعی بود، نظام مارتینیدست او وارث تشکیلات مارتینز دو پاسکالی است که در قرن هیجدهم پایه‌گذاری شده بود و اعضای برجسته آن «لویی کلود دوسن مارتن» و «ژوزف دومیستر» بوده‌اند. اما او «بزودی دریافت که این پیوستگی و وراثت تماماً خیالی است و آموزش‌های پاپوس او را قانع نمی‌کنند.^(۲) بعد از آن، به سوی رئیس کلیسای گنوستیک ملقب به «سینزیوس» جذب شد که به یاری او به انتشار نشریه «گنوز»^(۳) مبادرت ورزید و آن، مرکزی شد تا به نشر اندیشه‌هایش، که مبتنی بر جستجوهای ماوراء الطبیعه بود، بپردازد. «در آغاز، این نشریه به عنوان ارگان رسمی کلیسای گنوستیک جهانی چاپ می‌شد و گنون با نام مستعار «پالین ژینوس»^(۴) آن را اداره می‌کرد»^(۵). می‌توان گفت، شخصیت فکری او در این نشریه نمایان شد. وی، که در سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۰۴م در میان تشکلهای نیمه مخفی عرفانی و روح‌گرا گذرانید، معتقد بود که با تکیه بر آراء این قبیل بنیادهای به ظاهر روحانی نیز نمی‌توان بنای مستحکم فکری ایجاد کرد.

از دیگر مکاتبی، که گنون بطور عمیق بدان پرداخته و چه بسا محور اصلی افکار او را شکل داد، آیین هندو است. وی در سال‌های ۱۹۰۸-۱۹۰۶م در پاریس، که هسته غیب باوری بود و افراد زیادی را تحت تأثیر خود قرار می‌داد، با برخی از هندوان مکتب آدویتا ودانتا برخورد‌هایی داشت و یکی از پیروان آن مکتب، او را به

۱- رنه گنون، معانی رمز صلیب: تحقیقی در فن معارف تطبیقی، با بک عالیخانی، چاپ اول، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۷۴، ص ۱۸.

۱- رنه گنون، نگرشی به حقایق باطنی اسلام و تائوئیسم، پیشین، ص ۱۸.

2 - Gnose.

3 - palingenius.

روش مینوی یا معنوی شیوایی آشنا نمود و او را بدان جرگه رهنمون شد. ظاهر امر نشان می‌دهد، گنون برخورد طولانی با آنان نداشت، لکن تأثیر عمیق و دیرپایی بر مبانی فکری وی بجا گذارد.

در سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۱۳م در نشریه «فرانسه ضد فراماسونری»^(۱) قلم فرسایی می‌کرد. وی وابسته به فراماسونری بود، لکن در ضدیت با ماسون‌ها مقاله منتشر می‌نمود. او به عنوان فردی که با تصوف اسلامی، هندی و چینی از نزدیک آشنا بود و امکان بررسی تطبیقی آنها را داشت، فراماسونری را شیوه‌های معنوی می‌دانست که مستند به یک مکتب است. معارف باطنی و معنوی موجود در سنت مسیحی را در عرصه‌ی تحقق، فعل و عمل از دست داده است. همچنین، معتقد بود ماسون‌ها مشغول هر نوع اندیشه‌ی مدرنیستی شده‌اند.

او درگیر تعصب دین ستیزی بود که در میان روشنفکران فرانسوی، بارز بود. نمایندگان دین بویژه کلیسای کاتولیک، که از عقلانیت و خرد دور افتاده بودند و تنها متمرکز بر زمینه‌های احساسی شدند، دیگر یارای پاسخگویی به پرسش‌های عمیق مردم نبودند. حال، گنون به این پرسش می‌اندیشید که آیا مردم بدون دین مسیح می‌توانند «راستی» را بپذیرند؟ وی با این بینش، که دین مسیح به زبان کلیسای کاتولیک عاجز است، دریافت این کار شدنی نیست. بنابراین، «گنون می‌دانست که اگر بخواهد برای مردمی که مسیحیت را رد کرده‌اند، حقیقت را در قالب اصطلاحات اسلامی و تصوف بیان کند، آنان نخواهند پذیرفت و خواهند گفت که این، دین دیگری است»^(۲).

با این وصف، او تصمیم گرفت تا این «حقیقت» را، که در قلب دین نهفته است، از طریق آیین هندو به طبقه‌ی تحصیل کرده‌ی غربی عرضه کند. سنت گرایان پس از او علت این امر را در سه زمینه و عامل جستجو کرده‌اند؛ این آیین، زمینه‌های متعددی داشت که منجر به انتقال پیام راستین وی به مردم باختر زمین شد. مذهب هندو به عنوان کهن‌ترین آیین موجود در جهان، بخاطر شرایط ویژه اش از صراحتی برخوردار بود. این آیین، به سبب آنکه در دوره‌های بسیار دور در میان ابنای بشر رایج بوده

است و زمانی زاده شد که به علت شرایط خاص آن اعصار، نیازی به بازشناسی میان تعالیم باطنی و تعالیم ظاهری نداشت، لذا حقایق و اسرار باطنی آن با صراحت و بی واسطه بیان شدند، به گونه‌ای که چگونگی بیان حقیقت در آن در هیچ حجابی پوشیده نیست. به تعبیر آنان، زمينه‌ی دیگری که هندوگرایی ابزاری کامل برای پیام‌گنون شد، گسترش و وسعت ساختاری آن بود. «در کیش‌های جدیدتر گویا پروردگار، آفریدگانش را به دره‌ای باریک و باریک تر می‌کشانند: این، همان رهگذری است که به سوی بهشت می رود. اما جهان بینی افقی، بسیار باریک و تنگ است. چون نیروی کشش و جذب آدمی به پایان خود می‌رسد. رویکرد یا مرام سامسارای آیین هندو، همان رهیافت زنجیره‌ی بی‌پایان جهان‌های بی‌شماری که نمایان شده اند... که به سردرگمی و بی‌سامانی‌های گوناگون دست خواهند یافت».^(۱)

عامل دیگر آنکه، این آیین از نرمش و انعطافی شگفت‌انگیز برخوردار است؛ «این آیین، بر شالوده‌ی سروش آسمانی یا الهام ملکوتی نشسته است. وداها و اوپانیشادها وحی شده‌اند... این بازشناسی میان وحی آسمانی و سروش یا الهام در آیین هندو بسیار روشن انجام گرفته، همانگونه که در یهودیت و اسلام آشکار است».^(۲)

همچنین، به زعم آنان، وسعت نظر این مذهب را می‌توان در پیش‌بینی آن در ارائه‌ی راه‌هایی که به خداوند منتهی می‌شود، ملاحظه نمود. راه‌های سه‌گانه‌ای که برای بازگشت به خداوند در برون‌گرایی دین هندویی آمده است، عبارتند از: راه معرفی، راه عشق و راه عمل صالح.

گرچه افکار گنون مبتنی بر دین هندو، بویژه سنت شفاهی مکتب «ادویتا ودانتا»، که بخش مابعدالطبیعی و وحدت وجودی و نیز توحید‌گرایی این آیین است، سامان پذیرفته است، اما ارجاعات او به حقایق اساسی ادیان اصیل دیگر چون اسلام و یهودیت را می‌توان ملاحظه کرد. این امر ناشی از اعتقاد عمیق او به واحد بودن حقیقت و یگانه بودن «سنت ازلی» است. بنابراین، بنیان‌های نظری او علاوه بر آیین هندو، از طریق عرفان اسلامی و

۲- مارتین لینگز، پیشین، ص ۴۴.

۱- همان.

تصوف نیز ارتزاق یافت؛ به نحوی که در این میان، می توان به افرادی، که در این راه به وی یاری رساندند، اشاره نمود که «عبدالحق» و «عبدالهادی» نقاش نام دارند و در مبحث پیشین از نظر گذشت.

بدین ترتیب، او به منظور دستیابی به آرمان و دغدغه ی خویش، با چرخشی شرق شناسانه به سوی عالم غرب مدرن، نظر می‌دوزد و به حوزه‌ی جهان اسلام می‌پیوندد و به شرق شناسی رایج آن دوران، که تا به امروز نیز ادامه دارد، نقدهای جدی وارد می‌کند. به عبارت دیگر، او از منظر جهان شرق به بازخوانی جهان غرب می‌پردازد.

«پیام گنون، همواره پیام «راست دینی»^(۱) دقیق در یک باطن گرایی، در عین به رسمیت شناختن مساوی همه‌ی راه‌های دینی‌های دیگر بوده است، اما غرضش به هیچ وجه نظری نبود. [وی] بیان می‌دارد که ادیان بسیاری بوده‌اند و باید با همه‌ی آنها به حرمت رفتار کرد؛ ادیان اختلاف داشته‌اند، زیرا برای مردم مختلف بودند. شعارش این بود که: حقیقت بر همه چیز پیروز می‌شود... او وظیفه‌ی خود را این می‌دانست که تدارک راهی را بیاموزد که مردم برای خود خواهند یافت و این تدارک به معنای پر کردن شکاف‌هایی بود که تعلیم و تربیت متجددانه ایجاد کرده است».^(۲)

۲-۲- میراث گنون

گنون تعداد بسیاری کتاب، مقاله و گزارش تحلیلی پدید آورد که متشکل از مجموعه‌ای کامل است، چنانکه گویی تمام آنها را در یک نوبت نگاشته، سپس طی چند دهه منتشر شده است.

این آثار در پنج موضوع و دغدغه‌ی اساسی خلاصه می‌گردند: نقد و اصلاح دنیای مدرن، سنت، نمادهای دینی، متافیزیک و شهود معنوی. بنابراین میراث این پدر سنت گرایی با توجه به شناخت عمیقش از جهان سنتی و مدرن بر دو جنبه استوار است: یکی، توجه به بعد معنوی ادیان و سنن، دیگری جنبه نقادانه وی در برخورد با دنیای متجدد.

مارتین لینگز معتقد است که در نوشته‌های گنون، نوعی روشنایی و درخشش در حال تابیدن است که همان حقیقت و

راستی است. این روشنایی توأم با خردمندی است. وی «باید با خرد خویش یک راست و مستقیم حقایق مینوی را به معنای درست فهمیده باشد و وی با باز نمود و شرح آیینها و تشریفات دینی و نمادها و پایگان یا مراتب جهانها همه روزنهها را پر می کند»^(۱).

همچنین، به منظور جلوگیری از ورود سرزده‌ی مجموعه‌ای از معارف و منظرهای کاملاً بیگانه با جهان بینی حاکم بر جهان باختر زمین برخورد کند. برای همین مقصود، کتابی به نام «مقدمه‌ای بر مطالعه عقاید هندو»^(۲) (۱۹۲۱) را نگاشت. گنون در کتاب «آدمی و صیورت او مطابق با ودانته»^(۳) (۱۹۲۵)، که می‌توان بزرگترین کتاب و مکمل اثر پیشین او تلقی نمود، «با پی‌گیری نمود انسان و نمایش بی‌کم و کاست چستی او بر پایه‌ی آیین هندو به جا انداختن و اثبات این سخن می‌پردازد که بشر می‌تواند به خاستگاه فراگیر خود باز گردد»^(۴).

گنون چندین اثر در باب موضوعات مابعدالطبیعی و جهان‌شناسی عمومی چون «مابعدالطبیعی شرقی»^(۵) (۱۹۳۹) و «مراتب متعدد وجود»^(۶) (۱۹۳۲) نوشت. همچنین، از دیگر نوشته‌هایش در حوزه‌ی دین پژوهی، «سه گانه بزرگ»^(۷) است که به آموزه‌های چینی، بویژه به تفسیر دائوی آنها می‌پردازد.

«گنون از منظر و دریچه‌ی نوشته‌هایش بیشتر همانند صاحب یک رسالت تعقلی ظاهر می‌شود تا یک «انسان». ذهن و سبک روشن و فراغت مابعدالطبیعی عظیم وی، همه را ظاهراً خود حکمت سنتی برگزیده بود تا یک بار دیگر آن حقیقت را که دنیای متجدد بدلیل فقدان آن به شدت در رنج بود، تنسیق و بیان کند»^(۸).

چنانکه گفته شد، او در پاریس با محافل معنویت‌گرای مدرن رفت و آمد داشت و به انحرافات و خطاهای آنها به خوبی واقف بود. «اشتباه روح‌گرای»^(۹) (۱۹۲۳) و

۱- مارتین لینگز، پیشین، ص ۴۵.

2 - Introduction to the Study of the Hindu Doctrines.

3 - A Man and His Becoming According to the Vedanta.

۴- همان، ص ۴۴.

5 - Oriental Metaphysics.

6 - The Multiple States of the Being.

1 - The Great Triad.

۲- حسین نصر، معرفت و معنویت، پیشین، ص ۲۱۷.

3 - The Spirits Fallacy.

«تئوسوفیسم: تاریخچه يك مذهب دروغین»^(۱) (۱۹۲۱) به این موضوع می‌پردازد.

نمادپردازی یا رمزگرایی، جنبه دیگر آثار این سنت گرا است که کتاب «نمادهای بنیادین: زبان همگانی علم قدسی»^(۲) (۱۹۶۲) که پس از درگذشتش با جمع آوری مقالات او، به چاپ رسید.

آنچه بطور عمومی به منزله‌ی اندیشه‌ی بارز گنون تلقی می‌شود، نقد تند وی به دنیای یکسره عاری از معنویت است که تجددگرایی آن را خلق کرده و در پی جهانی کردن آن جد و جهد می‌کند. «شرق و غرب»^(۳) (۱۹۲۴)، «بحران دنیای متجدد»^(۴) (۱۹۲۷) و «سیطره کمیّت و علائم آخرالزمان»^(۵) (۱۹۴۵) سه کتابی است که در آنها غرب مدرن از منظر حکمت کهن (که سابقاً در شرق و غرب یافت می‌شد و اکنون تنها این مشرق زمین است که بر حفظ آن دوام آورده) تجزیه، تحلیل و نقد شده است؛ این سه کتاب، مجموعه‌ای از پیش‌بینی‌ها و در دستجی‌های این متفکر برجسته را در مورد فرهنگ و تمدن غرب نشان می‌دهد. دو کتاب اخیر، که تقریباً آخرین آثار اوست، حاوی تمام افکار نظری و عملی گنون است؛ از این حیث، نگارنده آن دو را مرکز تتبع خویش قرار داده است.

در پایان نکته‌ای را بیان می‌داریم که حاکی از روح و طبع لطیف گنون است؛ هندوهایی که وی با آنها آشنایی و تماس پیدا کرده بود، باور نادرستی را در مورد مکتب بودا به او داده بودند که سازگاری روشن و دقیقی با آیین هندو نداشت.^(۶) بر این اساس، وی بودائیت را به عنوان سنت اصیل قبول نداشت و نوشته‌هایش را با این طرز تفکر تدوین نمود. لکن آنا ندا کومارا سوامی، فریتیوف شووان و مارکو پالیس، همگی، بر آن شدند تا پیرامون آن به گنون خرده گیرند. وی در قبال گوشزد آنان روی خوشی نشان داد و با آغوش باز از انتقاد آن‌ها استقبال نمود و در صدد اصلاح متون خود بر آمد.

- 4 - Theosophy, the History of a Pseudo-Religion.
- 5 - Symbols of Sacred Science.
- 6 - Orient et Occident.
- 7 - The Crisis of the Modern World.
- 8 - The Reign of Quantity and the Signs of the Times .

۳- زمینه های اجتماعی

در زمانی که گنون سال های جوانی و نوجوانی خود را پشت سر می گذاشت، در سراسر فرانسه بویژه در پاریس، که مرکز غیب باوری بود، موجی از ناآرامی و بحران فرا گرفت. به قول «مارتین لینگز»: «آسیب و خطر آن روزگار برای او شاید با این زمینه و واقعیت از میان می رفت که دیدگاه های گسترده تری فراروی او گشوده بود».^(۱)

از یک سو، او در یک محیط اجتماعی و اخلاقی فرانسوی پیرو سنت کاتولیک رشد یافته بود. این مذهب، به رغم نحوه بیانی که داشت، در حمایت از سنت های خاص خود و مرجعیت پاپ مخالف آشکار مدرنیسم بود. مذهب کاتولیک فرانسه در قرن نوزدهم، به جانبداری از سنت و نیز سلطنت پرداخت. لیبرال های فرانسه در نیمه دوم این قرن، بر سلطنت طلبها غالب شدند و ضوابطی بر ضد روحانیان وضع کردند^(۲) و بوضوح در سخنرانی های خود کیشان و روحانیان را دشمن می پنداشتند. کاتولیک ها دلیل این ضدیت با روحانیت را، نفوذ لژهای فراماسونری می دانستند. فراماسونرها جایگزینی را برای سنت گرایی کاتولیک بدست دادند که مبتنی بر علوم غریبه عهد باستان بود. آنها در جامعه فرانسه غالباً به جذب آزاداندیشان و ضد روحانیون و نیز علاقمندان به حدسها و پیش بینی های علوم غریبه پرداختند. شیفتگی به شرق و علوم غریبه و باستان نیز باعث جذب عده ای به انجمن «تئوسوفی» شد که در سال ۱۸۷۶م پایه ریزی شده بود. این انجمن، نیز به انتشار تعدادی ترجمه از سنت های دینی غیر غربی، از جمله فرانسوی «گیتا» در سال ۱۸۹۰م و آثار دیگری درباره مذهب بودایی و هندو پرداخت.^(۳)

از سوی دیگر، گنون درگیر تعصبات دین ستیز فراگیری بود، که در میان روشن اندیشان فرانسوی برجسته تر بود. این زمینه، از آنجا آغاز شد که نمایندگان دین، بتدریج خرد خود را از دست داده و هر چه بیشتر روی زمینه های عاطفی، ژرف بینی و تمرکز یافته بودند،

۲- همان، ص ۴۲.

۳- لگنهاوزن، محمد، «چرا سنت گرا نیستیم؟»، منصور نصیری، در: خرد جاویدان (مجموعه مقالات نقد تجدد در دیدگاه سنت گرایان)، به کوشش شهرام یوسفی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران و مؤسسه تحقیقات و توسعه انسانی، ۱۳۸۲، صص ۲۳۵-۲۳۶.

۱- همان.

بویژه در کلیسای کاتولیک که بر طبقه بندی جامعه به کشیش و مردم عادی اصرار می‌ورزیدند. غیر روحانیان از روی اجبار باید به کلیسا دل می‌بستند؛ لکن این دل‌بستگی سودی نبخشید؛ چرا که آنان به ناتوانی کلیسا در پاسخگویی به مسائل پی برده بودند. از این حیث، گنون به سنت شفاهی مکتب ادویتا ودانتا، که در آن زمان عده‌ای از هندوهای این مکتب به پاریس آمده بودند، روی آورد. گرچه مدت زمان طولانی با آنان نشست و برخاست نداشت، لکن محوری‌ترین مبانی فکری او را رقم زد.

گذشته از این مطالب، گنون در محیطی به سر می‌برد که شاهد بروز جنگ جهانی دوم، قدرت طلبی و برتری جویی‌های ابرقدرت‌های جهان بود و همچنین، شاهد تحولات صنعتی و نگاه بشر به طبیعت همچون منبع و منشأ انرژی و منفعت طلبی از آن در حدّ توان، که حاصل انقلاب صنعتی در اروپا بود و منجر به پیدایش بحران‌های زیست محیطی شدید می‌شد.

بی شک از یک طرف، جهان پس از جنگ جهانی دوم جهانی بی رحم بود که سرخوشی بی‌عاطفه‌اش کرده بود و از طرف دیگر، بی‌دینی و دین‌نمایی جزء صفات آن شده بود و مردمان سده‌ی بیستم را به اندیشه‌ی بی‌نیازی از دین تشویق می‌کرد. این وقایع و مخاطرات و هراس جنگ‌های سرد پس از آن، که به نوعی دنیا را برای اکثریت ابناء بشر به محلی ناامن مبدل ساخت، زمینه‌ی پیدایش نگاه انتقادی به اندیشه‌ی مدرن غربی را فراهم می‌نمود.

باتوجه به آنچه در مبحث پیشین بدان ارائه شد، آثار گنون مرکب از دو بخش هستند که در آن یک وجه، مربوط به حوزه‌ی دین پژوهی و وجه دیگر، مربوط به حوزه‌ی نقد و اصلاح جهان غرب است. پس از جنگ دوم جهانی و اقامت وی در مصر و حشر و نشر با متفکران اسلامی و زندگی در میان مسلمانان، باعث شد تا به نشر آثاری بپردازد که هر چند برخی از آنها در ارتباط با حوزه دین بود، اما محور اصلی شان نقادی دنیای غرب و مخالفت سرسختانه با تجدّدگرایی است.

از این حیث، این سنت‌گرایی قرن بیستم به عنوان منتقد جدی غرب، در صدد سامان دادن فضای فرهنگی ایجاد شده برآمد. گنون بدلیل نوع نگاهش به هستی، که منتج از پژوهش در حوزه‌ی دین و سنت‌های اصیل جهان بود، اصولی



را ارائه می‌داد که کاملاً مغایر با بنیان‌های معرفتی و روش‌شناسی رایج فضای فکری دوران خود بود. برای این اساس بود که وی، در محافل علمی و آکادمیک جایگاه ویژه و شناخته شده‌ای نیافت؛ اینک به این مبانی و اصول می‌پردازیم.

عنوان پایان نامه

The Social Theory of Traditionalists With the
Emphasis on Rene Geneon Theories

چکیده

Abstract:

Traditionalism is a movement, which looks at the modernist world through religion approach with some basic criticism on it. As a whole, this thesis tries to paraphrase the traditionalists basic theory and according to this basics, analyses their social theories with emphasize on Rene Geneon theories. The present thesis consists of the introduction and three main chapters with conclusion. First section with the title "the theme and context of generation of social theory of ReneGeneon",divided into two subsection,"non-epitemical context" and "epitemical context". In the first chapter, a biography of Rene

Geneon, the main Traditionalist in this thesis, has presented to help the reader to understand his personality and social thoughts. The second chapter of this section deals with his basic thought and approaches because explanation of Traditionalist's social theory would be easier to understand in their basic and epitemical principals , in which the hierarchy of existence, knowledge and Human being will prove. In addition, in this direction in the next section the hierarchy of social will be proving. In the second section, this is the main section in this collection; it has adjusted in the three key chapters. In the first chapter with the title of "the philosophy pf history" the process of social historical period, which ends with the fall of idealism, has discussed with Geneon point of view. With this explanation, we inter in to the real discussion, Modernism period, then we will discuss

over its main characteristic, which is known as tenebrosity eriod. In that period which has a tendency toward freezing and finally dissolution; in the second chapter with the name of " Modernism Criticism" in the three main discussions, in the three- philosophy field, science and technology and political philosophy, the especial and unique characteristics will evaluate. Then the critical feature of the modern world and the downfall of its principal, which is the product of the gap between the modern world and traditions and non-tradition, will explain. The third chapter, "the Utopion society of Geneon ", will answer the question of the end of history and the future of the world. The pointed society of Geneon, which has been created according to the God traditions will reconstructed by the writer of the thesis then the relation of principal theory

with his social point of view will be prove. The third section,"other Traditionalists social theory", consists of the discussion over the basic principles and social theories, with considering at least of two thinkers, Hussein Nasr and Fritiove Shoan.